

Analyzing retribution for broken teeth from the perspective of penal law and jurisprudence of Islamic schools of thought

Abstract

Retribution is one of the punishments in Islamic criminal law, where the perpetrator is sentenced for committing a deliberate crime against the soul, limb or benefit. One of the organs that may be subjected to intentional crime is the tooth. According to the rule, if a deliberate crime is inflicted on a member, the first sentence is retribution. In Islamic criminal law, based on verse 40 of Surah Ma'idah and the Islamic Penal Code, qisas dandan has been accepted and approved. On the other hand, according to jurisprudence and according to Article 41 of the Islamic Penal Code, in the case of a broken bone, retribution is void, and since the tooth is of the same species as the bone, naturally it should not be subject to the ruling on the permissibility of retribution, while the legislator in Article 42 considers Revenge has become broken teeth. The current research aims to give an answer to this contradiction by delving into jurisprudence and legal texts in an analytical-descriptive manner.

Key words: tooth, fracture, retribution, punishment, ransom

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

چکیده

قصاص از جمله مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام است که مرتکب، به علت ارتکاب جنایت عمدی بر نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود. یکی از اعضایی که ممکن است جنایت عمدی بر آن وارد شود دندان است. طبق قاعده، اگر جنایت عمدی بر عضو وارد شود، حکم اولیه آن قصاص می‌باشد. در حقوق کیفری اسلام بر اساس آیه ۴۵ سوره مائده و نیز قانون مجازات اسلامی قصاص دندان مورد پذیرش و تایید قرار گرفته است. از طرفی دیگر، بر اساس نظریات فقهی و نیز وفق ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی در شکستگی استخوان، قصاص ساقط است و دندان هم چون با استخوان از یک جنس است، طبعاً نباید مشمول حکم جواز قصاص باشد در حالی که قانونگذار در ماده ۴۱۲ قائل به قصاص شکستگی دندان شده است تحقیق حاضر در صدد آن است تا با کنکاش در متون فقهی و حقوقی به صورت تحلیلی-توصیفی پاسخی به این تناقض دهد.

کلمات کلیدی: دندان، شکستگی، قصاص، مجازات، دیه

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران، khany.z@gmail.com

قصاص از جمله کیفرها و مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام می‌باشد، که مرتکب به علت ارتکاب جنایت عمدی بر نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. یکی از اعضایی که ممکن است جنایت عمدی بر آن وارد شود دندان می‌باشد. طبق قاعده، اگر جنایت عمدی بر عضو وارد شود حکم اولیه آن قصاص می‌باشد و همانطور که به نص قرآن کریم در سوره مبارکه مائده آیه ۴۵ بحث قصاص در دندان در شریعت حضرت موسی علیه السلام بوده است و این آیه شریفه علاوه بر این اشاره به این مطلب دارد که قصاص دندان پیش از اسلام هم بوده است در حقوق کیفری اسلام هم با این آیه، قصاص دندان مورد پذیرش و تایید قرار گرفته است.

در خصوص جنایت عمدی وارد بر دندان دو حالت قابل تصور می‌باشد یکی این که با ضربه جانی دندان از ریشه کنده و ساقط شود حالت دیگر این است که فقط دندان بشکند. سوالی که اینجا مطرح میشود این است که آیا آیه شریفه که تصریح به حکم قصاص دارد شامل هر دو صورت میشود؟

قانون گذار جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۲ در ماده ۴۱۲ اعلام می‌کند که «اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن رعایت تساوی در محل دندان لازم است». بنابراین مطابق با این ماده قانونی در هر دو حالت یعنی هم در حالت کندن و هم در حالت شکستگی حکم قصاص ثابت می‌باشد.

هرچند مقالاتی در خصوص دیه دندان تا کنون بدین شرح توسط محققین نوشته شده است: ۱- بازخوانی مستندات فقهی در شرایط تساوی محل در قصاص دندان نویسندگان، علی محمدیان و محمدتقی فخرمی. در این مقاله محققین با ارائه ادله، تساوی محل را شرط ندانسته و صرف وجود مثلث را اثبات کرده‌اند. ۲- رویکرد انتقادی به تعارض مبنای قانون گذار در رویش دندان مجنی علیه قبل و بعد از قصاص. نویسندگان عبدالعلی توجهی، مجید قورچی بیگی و سهراب بهادری. مؤلفین دیدگاه‌های مختلف فقهاء را احصا نموده و نتیجه گرفته‌اند که رویکرد فقهی در خصوص مواد ۴۱۳ و ۴۱۵ قانون مجازات اسلامی یکسان بوده ولی میان ماده‌های ذکر شده انسجام وجود ندارد. ۳- اغلب کتب فقهی به صورت گذرا به قصاص دندان اشاره نموده‌اند در این کتب شرایط قصاص و میزان دیه مورد بررسی قرار گرفته است. اما در خصوص موضوع مقاله که نویسندگان در مقام اثبات تشابه جنس استخوان و دندان بوده و معتقد به سقوط قصاص دندان همانند سقوط قصاص شکستگی استخوان موضوع ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی می‌باشند هیچ کتاب یا مقاله علمی به رشته تحریر درنیامده است.

با توجه به اینکه نوشتار حاضر در مقام ارزیابی و تحلیل آراء و نظرات فقهاء در ترازوی فقاہت بوده و در صدد سنجش اقوال در خصوص شکستگی استخوان و دندان می‌باشند و مناط و ملاک‌های موجود در ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی تبیین می‌کنند و تشابه جنس استخوان و دندان را مورد واکاوی قرار می‌دهند و امکان‌سنجی تحمیل ملاک‌های موجود در ماده پیش‌گفته به ماده ۴۱۲ از همان قانون را ارزیابی می‌کنند، پژوهشی بدیع و نو تلقی می‌شود.

در این پژوهش، محققین در صدد واکاوی مبنای فقهی مواد ۴۰۱ و ۴۱۲ قانون مجازات اسلامی از منظر فقه امامیه و فقه اهل سنت بوده و به این سؤال پاسخ خواهند داد که چرا علی‌رغم تشابه جنس استخوان و دندان، قانونگذار در یکی قائل به سقوط قصاص بوده و در دیگری نظر بر ثبوت آن دارد؟

۱. قصاص دندان از منظر قانون مجازات ۹۲

در ابتدای بحث لازم است پیشینه قانون‌گذاری این ماده بیان بشود. پیشینه این ماده در قانون گذشته که ماده ۲۹۱ قانون مجازات سابق می باشد بدین قرار است: هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود. و در قانون جدید در ماده ۴۱۲ مقرر شده است: «اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند به قصاص محکوم می‌شود و در قصاص آن رعایت تساوی در محل دندان لازم است»

در مقام مقایسه بین این دو ماده می توان گفت که اولاً تاکید قانونگذار در ماده ۲۹۱ سابق به رعایت شرایط قصاص عضو ضرورت ندارد و زائد است؛ زیرا روشن است که در همه موارد قصاص عضو می بایست شرایط عام قصاص و نیز شرایط خاص قصاص عضو رعایت گردد این قید در ماده ۴۱۲ جدید وجود ندارد و بدین جهت این ماده از لحاظ نوشتاری نسبت به ماده سابق برتری دارد و ثانیاً، تفاوت دیگر این دو ماده در این است که در ماده جدید تصریح شده است که رعایت تساوی در محل دندان لازم است تصریح به این قید در قانون طبق نظر برخی ها مناسب بلکه لازم است زیرا اگرچه شرط تساوی در محل در بند الف ماده ۳۹۳ قانون جدید ذکر شده است اما انطباق دقیق این شرط در بعضی از اعضاء مانند دندان به سبب اختلاف فقها در این باره باید مورد تاکید قرار گیرد از این رو، در صورت جنایت بر هر دندانی از مجنی‌علیه بر همان دندان در جانی قصاص می‌شود یعنی در قصاص علاوه بر جهت بالا و پایین و راست و چپ تساوی در جایگاه خاص دندان نیز باید رعایت شود.

سوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که با توجه به ماده ۳۸۶ قانون جدید که تصریح می‌کند و مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی‌علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیثیت دیه و تعزیر عمل می‌گردد و همچنین با توجه به ماده ۳۸۷ که اعلام می‌دارد: «جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه های وارد بر منافع است»، دیگر نیازی به ذکر این ماده نبود چرا که جریان قصاص عضو شامل همه اعضای بدن می‌شود و لازم نیست قانونگذار در هر عضوی تصریح به این نکته بنماید. در پاسخ به این سوال گفته شده است که با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ۴۰۱ تصریح می‌کند به این مطلب که جنایت شکستگی استخوان و قصاص ساقط می باشد با توجه به اینکه دندان نوعی استخوان محسوب می‌شود لذا اگر ماده ۴۱۲ ذکر نمی شد با توجه به ماده ۴۳۲ دیگر جنایت بر دندان قابل قصاص نبود به همین علت قانونگذار برای اینکه جنایت بر دندان از موارد عدم جواز قصاص شمرده نشود این ماده ۴۱۲ به جواز قصاص در دندان تصریح می‌نماید.

اما آنچه از نظر حقوقی قابل بحث هست این است که احتمال دارد گفته شود قصاص در شکستگی دندان به علت عدم امکان رعایت شرط تساوی در مقدار جنایت جایز نیست به ویژه که در ماده ۴۰۱ این قانون با صراحت اعلام شده است در شکستگی استخوان قصاص ساقط است از این رو چون دندان هم جنس با استخوان است و به تعبیر برخی استخوان ظاهر می باشد مشمول حکم به عدم جواز قصاص می‌شود. سوالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا موارد شکستن دندان به سبب یکسان بودن جنس دندان به استخوان، به شکستگی استخوان ملحق است یا خیر؟ ماده ۴۱۲ قانون جدید و همچنین پیشینه این قانون گویای این پاسخ است که حکم شکستگی دندان را از حکم شکستگی استخوان متمایز ساخته است و به عنوان یک مصداق خاص از آن ماده سابق تخصیص داده شده است

و با توجه به اینکه قانونگذار در تمام مباحث وضع قوانین طبق اصول قانون اساسی، ملزم به رعایت موازین اسلامی یعنی فقه امامیه می باشد در ادامه جهت تحلیل مبنای فقهی ماده ۴۱۲ به بررسی نظرات فقهای امامیه و همچنین به عنوان بحث تکمیلی،

نظریه فقهی علمای اهل سنت هم در این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۲)

۲. قصاص دندان در فقه

در این نوشتار، پس از بررسی آرای فقها، به ادله آنان می‌پردازیم و در نهایت نتیجه مباحث ارائه می‌شود.

بررسی آرای فقهای امامیه و اهل سنت:

۱-۲ فقهای امامیه

دندان به عنوان یکی از اعضای بدن انسان که از اندامهای سخت داخل دهان می باشد که موضوع احکام شرعی در بابهای مختلفی از قبیل: طهارت، صلات، صوم، حج، صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، حدود، قصاص و دیات در فقه شیعه واقع میگردد. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۶۵۵)

البته آنچه که در این نوشته موضوع بحث است حکم دندان در باب قصاص است که در این باب هم فروع زیادی مطرح است که اجمال آن این است: در جنایت بر دندان اصلی (غیر شیری) در صورتی که از ریشه کنده و ساقط شود، آیا قصاص ثابت است؟ اگر نظر اهل خبره، رویدن دوباره آن باشد حکم مساله چیست؟ و اگر در آن مدت نروید حکم مساله چیست؟ و چنانچه ناقص یا به گونه‌ای دیگر- مثلاً زرد یا سیاه- بروید چه حکمی دارد؟ و آیا در صورت رویدن کامل نیز ارش ثابت است یا نه؟ اگر جنایت بر دندان شیری، مانند دندان کودک، وارد گردد چه باید کرد؟ آیا در حکم به قصاص دندان، همسانی نوع دندان، همسانی محل دندانها شرط است؟

از منظر فقهای شیعه در جنایت بر دندان اصلی (غیر شیری) در صورتی که از ریشه کنده و ساقط شود، قصاص ثابت است و تردیدی در آن نیست چرا که قدر متیقن از آیه کریمه قرآن جواز قصاص در کندن دندان است و یکی از فروع مهم دیگری که ذیل این مساله مطرح می شود و قانونگذار نیز به آن اشاره کرده و موضوع این تحقیق است، حکم شکستن دندان است که در ادامه به بیان نظرات فقها در این محور متمرکز می‌شویم.

فقهای شیعه در این موضوع، سه گروه هستند برخی فتوا به جواز قصاص و برخی فتوا به عدم جواز و برخی هم در این مساله سکوت نموده‌اند به طوری که علامه مجلسی می گوید: «در شکستن دندان قصاص نیست بلکه دیه می‌گیرند بنا بر مشهور و بعضی گفته‌اند که اگر بتوان به همان مقدار که شکسته است بی‌زیاده و نقصان ببرند قصاص می‌کنند.» (مجلسی دوم، بی تا، ص ۱۰۷) و برخی از محققان معاصر نیز در این موضوع اعلام کرده‌اند که بسیاری از فقها درباره قصاص در شکستگی دندان سکوت کرده‌اند. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶) به عنوان نمونه، دو تن از فقها تمام احکام دندان را در ذیل بحث دندان بیان کرده است ولی هیچ اشاره‌ای به شکستن دندان نمی‌کند. مثلاً شیخ بهایی قائل است: «کسی که دندان دیگری را کنده باشد مثل آن دندان او را باید کند به شرطی که دندان آن کس را که کنده است بیرون نیاید اما اگر بیرون آید قصاص نمی‌توان کرد و در این باره باید به اهل خبره رجوع کرد؛ پس اگر اهل خبره بگویند که دندان کنده شده او دیگر بیرون نمی‌آید ولی بعد از قصاص کردن به خلاف عادت بیرون آید، بر او چیزی نیست. اما اگر اهل خبره بگویند دندان بیرون می‌آید و او قصاص کرده باشد، در این صورت، ارش بر او لازم است و اگر دندان طفل را کنده باشد، باید انتظار بیرون آمدن آن را کشید. پس اگر دندان بیرون نیاید، قصاص لازم است ولی اگر بیرون آید، باید جهت زمانی که دندان نداشته است ارش گرفت. همچنین اگر متغیر شده بیرون آید نیز ارش می‌گیرد و اگر پیش از بیرون

آمدن دندان یا پس از مایوس شدن از بر آمدن دندان، طفل بمیرد در این دو صورت، ارش لازم است و دندان اصلی را جهت دندان زیادتی نمی‌توان کند و هم چنین دندان زیادتی را به عوض دندان زیادتی که در غیر مکان با شد نمی‌توان کند.» (بهاء الدین عاملی، ۱۳۱۹، ج ۲، ص ۴۳۷)

همچنین فیاض از علمای معاصر می‌گوید: «قصاص در دندان ثابت می‌باشد. بنابراین اگر دندان شخصی را در بیاورد او حق دارد دندان جانی را به عنوان قصاص در بیاورد. چنانچه در محل دندان درآورده شده، قبل از قصاص به طور اتفاقی دندانی همانند دندان قبل بروید، در این فرض بنابر اقرب حق قصاص برای آن شخص محفوظ است.» (فیاض کابلی، ۱۴۲۶، مسأله ۳۴۱۰، ص ۷۰۷)

در خصوص قائلان به عدم قصاص در شکستگی می‌توان به شهید ثانی اشاره نمود. ایشان در ابتدا می‌فرماید: «دندان از اعضای است که در آن امکان حکم به قصاص در حالت کندن دندان وجود دارد به دلیل آیه شریفه قرآن که حکم قصاص لازم است اما در شکستگی دندان حکم قصاص وجود ندارد چراکه در روایت آمده است که در شکستگی استخوان قصاص ممکن نیست و در تعلیل آن گفته شده که مماثلت در آن امکان ندارد.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۲۸۸). ایشان در ادامه می‌فرماید: «اگر امکان استیفای قصاص بدون هیچ گونه زیادی و شکافتن مابقی دندانها به مانند جنایت وارده ممکن باشد چه بسا در شکستگی دندان احتمال ثبوت قصاص باشد. و فرق دندان با سایر استخوانها در این است که دندان، استخوانی است که از اکثر مواضع قابل رویت است و برای اهل صنعت ابزار و آلاتی است که قابلیت حفظ حدود را دارند در نتیجه دندان مانند سایر استخوانها نیست.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، همان)

در تحلیل کلام شهید ثانی می‌توان گفت که ایشان در بحث حکم قصاص در شکستگی دندان بحثی در اینکه مقتضی این حکم وجود دارد، ندارد بلکه عمده توجه ایشان به مانعیت عدم رعایت مماثلت در مقام عمل است که خود ایشان احتمال وجود ابزاری که دقت در این عمل را داشته باشند را می‌دهد.

صاحب کتاب مفتاح الکرامه نیز تنها گزارشی از فقهای مخالف حکم قصاص در شکستگی دندان را ارائه می‌دهد. (عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۱۷۸) و خود نظر خاصی ارائه نمی‌دهد.

اما برخی دیگر از فقها تصریح کرده‌اند که در شکستگی دندان قصاص ثابت است. البته قبل از بیان اقوال فقها در این زمینه لازم است به این نکته مهم توجه کنیم که بزرگانی همچون کلینی و حسن بن محبوب و... وقتی یک روایتی را نقل می‌کنند، با توجه به اینکه آنها خود از فقها می‌باشند و معمولاً این اشخاص روایتی را که مورد فتوای شان بوده است، نقل می‌کردند در مجموع به نظر می‌رسد که وقتی این بزرگان روایتی را نقل می‌کنند فتوی خود آنها بر طبق همان روایت بوده است. (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۲۹)

در نتیجه، با توجه به نکته فوق می‌توان گفت که نقل صحیح ابو بصیر از امام صادق علیه السلام: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السِّنِّ وَالذَّرَاعِ يُكْسِرَانِ عَمْدًا أَلْهَمًا أُرْشًا أَوْ قَوْدًا فَقَالَ قَوْدٌ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ أضعُفُوا الدِّيَةَ فَقَالَ إِنْ أَرْضَوْهُ بِمَا شَاءَ فَهُوَ لَهُ؛ از امام درباره دندان و دستی که عمداً شکسته شده‌اند، پرسیدم: آیا ارش ثابت است یا قصاص؟ حضرت فرمود: قصاص. عرض کردم: اگر چندین برابر دیه بپردازند چه صورت دارد؟ فرمود: اگر به مقداری که مجنی علیه می‌خواهد، وی را راضی کنند، آن مقدار برای اوست.» توسط کلینی و صدوق که این بزرگواران از قدمای فقها می‌باشند می‌رساند که این دو قائل به حکم قصاص در شکستگی دندان می‌باشند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۲۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۳۵)

برخی از فقها معاصر هم قائل به جواز قصاص در شکستگی دندان می‌باشند که متن فتوای آنها به این شرح می‌باشد: «دندان ریشه‌دار اگر از اصلش کنده شود، قصاص دارد؛ و همچنین از ظاهرش اگر شکسته شود، با رعایت مماثلت در قصاص و ملاحظه آلت قطع در قصاص چه در تمام ظاهر باشد یا در بعض آن.» (بهبخت، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۴۵۹) البته برخی از فقها در مقام استیفای قصاص در شکستگی قیدی را ذکر نموده‌اند: اگر دندانی که درآورده شده، دندان «مغر» باشد یعنی دندان اصلی که بعد از افتادن دندانهای شیری روییده می‌شود، در آن قصاص است. و آیا در شکستن آن قصاص یا دیه و ارش است؟ دو وجه دارد که اقرب اولی است. لیکن در قصاص کردن باید با وسیله‌ای آن را شکست که مماثلت حاصل شود؛ مانند وسائل جدید و نباید با چیزی آن را زد که آن را می‌شکند؛ زیرا نوعاً مماثلت حاصل نمی‌شود. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۳۳۹)

۲-۲- فقهای اهل سنت

برخی از محققان در فقه اهل سنت تصریح می‌کنند که فقهای آنها در این مساله (حکم قصاص شکستگی دندان) اختلاف نظر دارند در حالی که تمام آنها در حکم قصاص در صورت کندن دندان، اتفاق نظر دارند و می‌گویند: در قصاص جنایت کمتر از کندن دندان دو وجه برای علما ذکر شده است؛ یکی حکم به جواز قصاص و دیگری عدم جواز قصاص. (شقیطی، شرح زاد المستقنع فی اختصار المقنع، درس ۳۴۷، ص ۵).

در خصوص حکم شکستگی دندان برخی از فقهای اهل سنت در کتابها و آثار خود در خصوص این مساله یک باب مستقلی را به آن تخصیص داده و با عنوان «باب ما جاء فی القصاص فی کسر السن» (صنعانی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۵۹۷؛ شوکانی یمنی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۳۱؛ زرعی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹) از آن یاد می‌نمایند که ظهور در پذیرش حکم قصاص در فرض شکستگی دندان دارد و برخی از مفسرین اهل سنت نیز می‌گویند که در قصاص استخوان اختلاف نظر وجود دارد. افرادی همچون ابو حنیفه، زُفَرُ، ابویوسف و محمد قائل به این هستند که «هیچ گونه قصاصی در استخوان نیست به جز دندان» و افرادی چون لیث و شافعی می‌گویند که «هیچ گونه قصاصی در استخوان نیست» (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۵۱؛ قرطبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۵)

این عبارت همانطور که برخی حکم به عدم جواز قصاص شکستگی دندان را منتسب به شافعی می‌نمایند. (عبدالهادی حنبلی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۴۸۹) گویای این است که لیث و شافعی از بزرگان اهل سنت قائل به عدم جواز قصاص می‌باشند. در نتیجه، بین علمای اهل سنت هم دیدگاه جواز قصاص که البته برخی قیود و شرایطی هم ذکر نموده‌اند (شیبانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۰۵؛ شیبانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۰۵؛ لکنوی، ج ۱، ص ۵۰۴؛ شیرازی، المهدب فی فقه الإمام الشافعی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ابن نجیم مصری، ج ۲۳، ص ۱۳۶-۱۳۸) و عدم جواز قصاص (ابن رفعه، ۲۰۰۹م، ج ۱۵، ص ۳۹۵) در فرض شکستگی دندان، وجود دارد.

۲-۳- بررسی ادله

در این مرحله به بررسی ادله قائلان به جواز قصاص از منظر هر دو گروه فقهای امامیه و اهل سنت می‌پردازیم.

۲-۳-۱- امامیه

آنچه که در فقه امامیه به عنوان منبع و حجت می‌باشد عقل و نقل است و با توجه به اینکه عقل در احکام جزئی ورودی ندارد و موضوع بحث یک حکم شرعی جزئی است لذا نوبت به دلیل عقلی نمی‌رسد. می‌ماند ادله نقلی یعنی کتاب و سنت الف- کتاب:

«فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ..... وَ السِّنُّ بِالسِّنِّ» (بقره/۱۹۴)

در بحث دلیل قرآنی بر این مطلب، که اگر کسی، دندان دیگری را شکست، آیا قصاص دارد یا نه؟ باید دید که نظر فقها چیست؟ حضرت امام می‌فرماید: «اقرّب این است که قصاص دارد، سابقاً که وسائل اندازه گیری دقیق وجود نداشت، علما می‌گفتند قصاص ندارد و تبدیل به دیه می‌شود» (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۳۳۹) باید گفت، قدر متیقن از این آیه جواز قصاص در کندن دندان است چرا که رعایت شرایط قصاص در آن غالباً دشوار نیست. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶) و بحثی که وجود دارد در شکستگی دندان است.

ب- سنت:

روایت اول: صحیحۀ ابو بصیر «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السِّنِّ وَالذَّرَاعِ يُكْسِرَانِ عَمْدًا أَلَهُمَا أَرَشٌ أَوْ قَوْدٌ فَقَالَ قَوْدٌ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ أُضِعُّوا الدِّيَةَ فَقَالَ إِنْ أَرْضَوْهُ بِمَا شَاءَ فَهُوَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۲۰)

در روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام آمده است: از امام درباره دندان و دستی که عمداً شکسته شده‌اند، پرسیدم: آیا ارش ثابت است یا قصاص؟ حضرت فرمود: قصاص. عرض کردم: اگر چندین برابر دیه بپردازند چه صورت دارد؟ فرمود: اگر به مقداری که مجنی علیه می‌خواهد، وی را راضی کنند، آن مقدار برای اوست.

بررسی سندی:

وقتی بزرگانی از محدثان و فقها امامیه همچون مجلسی و صاحب جواهر این روایت را صحیح (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۹؛ لنگرانی، ۱۴۲۱، ص ۳۷۷؛ حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۳۵۶؛ حائری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۴۴؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۱۹۳) و یا معتبره (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۱) می‌دانند، ما را بی نیاز از بررسی فرد فرد راویان می‌نماید و در نتیجه این روایت از حیث سندی مورد پذیرش است.

بررسی محتوایی:

آنچه که از روایت ظاهر می‌شود این است که راوی از امام معصوم از دو موضوع مختلف سوال می‌کند یکی از شکستن عمدی دندان و ذراع می‌پرسد که آیا در آنها ارش ثابت است یا قصاص؟ حضرت فرمود: قصاص. که در نگاه اولی و بدوی نه تنها روایت ظهور در جواز قصاص بلکه نص در این مطلب است.

مجلسی دوم در ذیل این روایت در بحث قصاص در شکستگی دندان مقرر می‌دارد که در شکستگی دندان اختلاف نظر بین فقها وجود دارد و این روایت دلیل و حجت برای قائلان به جواز قصاص است. (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۵۸۹)

آیت الله خویی در ذیل این حدیث می‌نویسد: «فلا بدّ من حملها علی ما لا یرجی صلاحه، و إلاً فیردّ علمها إلی أهله» (خویی، ۱۴۲۲، ص ۱۹۳)؛ یعنی باید مورد ذکر شده در این حدیث (جواز قصاص در عضو) بر مصادیقی حمل شود که امید بهبودی آن عضو بعد از شکستن نیست و در غیر این صورت عمل به این حدیث باید به اهلش (اهل بیت) واگذار گردد.

برخی از فقها معاصر در ذیل این حدیث مقرر نموده‌اند که این روایت صحیحه اگرچه در مقایسه با روایت «لیس فی کسر العظام قصاص» (در شکستن استخوان قصاصی نیست) اخص محسوب می‌گردد ولی چون اصحاب از عمل به این روایت اعراض نموده‌اند و با توجه به اینکه فلسفه حکم قصاص برای حفظ مردم از تعدی و ظلم است، اگر خود قصاص بخواهد موجب تعدی گردد، بدیهی است که در آنجا قصاصی نخواهد بود، لذا باید روایت را بر موردی حمل نمود که شکستگی به نحوی باشد که عضو تلف شده محسوب گردد و امید بهبود آن داده نشود در غیر این صورت امکان عمل به این روایت وجود ندارد. (تبریزی، ۱۴۲۶،

ص ۲۹۱) و برخی دیگر از فقها بیان کرده‌اند که به جز شیخین (شیخ مفید و شیخ طوسی) کس دیگری به این روایت عمل نکرده است. (لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۳۷۷)

در پاسخ این دو بزرگوار باید گفت وقتی که بزرگانی همچون کلینی و حسن بن محبوب و... که یک روایتی را نقل می‌کنند، با توجه به اینکه ایشان خود از فقها می‌باشند و معمولاً این اشخاص روایتی را که مورد فتوایشان بوده است، نقل می‌کردند بنابراین وقتی این بزرگان روایتی را نقل می‌کنند فتوی خود آنها بر طبق همان روایت بوده است و در نتیجه، اعراض از روایت ثابت نیست و نمی‌توان روایت را کنار گذاشت (شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۲۹) پس نمی‌توان گفت فقط شیخ مفید و شیخ طوسی به این روایت عمل کرده‌اند و یا اینکه از عمل به این روایت اعراض صورت گرفته است. البته با مراجعه به کتب این دو فقیه کلام آنها در ذیل حدیث فوق نیست بلکه ایشان به صورت کلی می‌گویند که در شکستن دست و یا هر استخوانی که قابلیت بهبودی دارد قصاص ممکن نیست، بلکه جواز قصاص در شکستگی منوط به عدم اصلاح و علاج می‌باشد. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۷۲)

و برخی گفته‌اند که این روایت باید حمل بر بعضی از مراتب شکستگی شود آن هم مواردی که قصاص در آن موجب تغیر نگردد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۱)

سؤالی که وجود دارد این است که رابطه این روایت با قاعده فقهی «لا قصاص فی عظم؛ در استخوان قصاص وجود ندارد» (کاشانی، ۱۴۰۴، ص ۱۷) چیست؟ چون در نگاه اولی و بدوی مدلول این دو با هم تنافی دارند. آیا تنافی این روایت و قاعده مذکور مستقر است؟ آیا راه جمع و حل این تنافی وجود دارد؟

قبل از بیان راه حل و پاسخ لازم است متذکر شویم این قاعده یک قاعده اصطیادی از روایات است که در منابع حدیثی امامیه چند روایت ناظر به این مطلب وجود دارد:

«الف- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بَاسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنِ غِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ كَانَ يَقُولُ لَيْسَ فِي عَظْمٍ قِصَاصٌ.»

ب- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَا يَمِينُ فِي حَدٍّ وَلَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۸۵) لذا قاعده از حیث سندی مشکلی ندارد.

در مقام راه حل و جمع این دو، برخی از فقهای معاصر گفته‌اند: آنجا که گفتیم عظم و استخوان قصاص ندارد، مراد از «عظم» غیر دندان بود هر چند دندان هم عظم است، ولی عظم در روایات عبارت است از آن استخوانی که روی آن پرده‌ای قرار دارد، یعنی عظم در روایات شامل دندان نمی‌شود. بنابراین، «عظم» در اصطلاح روایات غیر از سن است هر چند از نظر علمی سن هم یکی از استخوان‌هاست (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۵۹۳) در نتیجه صحیحه مذکور تخصصاً از حیثه قاعده و روایات وارده در این موضوع خارج است. بنابراین، اصلاً تنافی وجود ندارد.

برخی در مقام جمع بین این دو، نظر دیگری دارد و گفته‌اند که این روایت باید حمل شود بر «علی من يعتاد الكسر» یعنی اینکه در شکستن عمدی دست و دندان قصاص است مختص افرادی است که اعتیاد به شکستن عمدی این دو عضو پیدا کرده‌اند. (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۹۹) یعنی تنافی این دو با تخصیص مرتفع گردد و برخی از فقها این روایت (صحیحه ابو بصیر) را نسبت به مستندات قاعده مذکور اخص می‌دانند. (تبریزی، ۱۴۲۶، ص ۲۹۱)

در نتیجه روایت مذکور هیچ گونه تنافی با قاعده عدم قصاص در عظام ندارد چرا که طبق اعتقاد برخی دندان تخصصاً خارج است و طبق نظر برخی دیگر تخصیصاً.

روایت دوم: موثقه اسحاق بن عمار

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِيمَا كَانَ مِنْ جِرَاحَاتِ الْجَدِّ سَدَّ أَنْ فِيهَا الْقَصَاصُ أَوْ يَقْبَلُ الْمَجْرُوحُ دِيَةَ الْجِرَاحَةِ فَيُعْطَاهَا.» (طوس، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۷۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۷۶) امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر مؤمنان علیه السلام درباره جراحات‌های بدن چنین قضاوت کرد: قصاص ثابت است، مگر مجروح، دیه جنایت را بپذیرد و به وی پرداخت شود.

این روایت مانند روایت اول که خاص موضوع دندان بود نیست بلکه به صورت کلی و عام می‌فرماید حکم اولی در جراحات قصاص است و شکستگی دندان نوعی جراحت است پس طبق این روایت هم حکم اولی در شکستگی در دندان قصاص می‌باشد.

۲-۳-۲- اهل سنت

فقهای اهل سنت برای حکم به جواز قصاص در شکستن دندان به آیات، روایتی از پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و بعضاً به قیاس استناد می‌نمایند.

الف - آیات قرآن

جیبی می‌آورد «فمن الكتاب قوله تعالى: وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذْنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ» (مائده/۴۵) (جیبی شهری، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۵۹۵) کاسانی می‌گوید «لا قصاص فی عظم» و فی السن القصاص سواء كسر أو قلع لقول الله تبارك وتعالى: {وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ} ولأنه يمكن استيفاء المثل فيه بأن يؤخذ في الكسر من سن الكاسر مثل ما كسر بالمبرد، وفي القلع يؤخذ سنه بالمبرد إلى أن ينتهي إلى اللحم ويسقط ما سوى ذلك.» (کاسانی حنفی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۴۱۵) و نیز سهلی: «و قوله تعالى: فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره/۱۹۴). (سهلی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۸۶)

ب- روایت نبوی

«أن أنسا حدثهم أن الربيع و هي ابنة النضر كسرت ثنية جارية، فطلبوا الأرش و طلبوا العفو، فأبوا. فأتوا النبي - صلى الله عليه وسلم - فأمرهم بالقصاص. فقال أنس بن النضر، أتكسر ثنية الربيع يا رسول الله؟ لا والذي بعثك بالحق لا تكسر ثنيها، فقال: يا أنس كتاب الله القصاص، فرضى القوم و عفوا فقال النبي - صلى الله عليه وسلم - إن من عباد الله من لو أقسم على الله لأبره؛ أنس گوید: «ربيع دختر نضر [عمه انس]، دندان جلوی دختری از انصار را شکست. آن گروه ارش طلب کردند اما این گروه امتناع کرد. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. حضرت دستور قصاص را صادر فرمود. انس بن نضر که عموی انس بن مالک می‌شد، گفت: نه؛ به خدا سوگند! ای رسول خدا، دندان جلوی او شکسته نخواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس، قصاص در کتاب خدا آمده است. پس از آن بود که آن گروه به گرفتن تفاوت بهای سالم و شکسته راضی شدند [و قصاص نکردند]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در میان بندگان خدا کسی است که اگر سوگندی بخورد، خداوند سوگندش را عملی می‌سازد.» (بخاری، ح ۶۸۹۴)

در خصوص سند این روایت در برخی از کتابهای اهل سنت بررسی رجالی روایان این حدیث انجام شده است (عباد بدر،

شرح سنن ابی داود، درس ۵۱۳، ص ۲۵) و شیخ الألبانی این روایت را صحیح دانسته است. (نسائی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۲۷)
در شرح این روایت و کیفیت استدلال آن گفته شده است:

- ۱) اگر نصف دندان کسی شکسته شود و امکان قصاص وجود داشته باشد از فرد جانی قصاص صورت می‌پذیرد. (ابن شرف نووی، ج ۱۸، ص ۴۱۳) این محقق اهل سنت بدون هیچ شک و تردید مدلول روایت را ناظر به امکان قصاص در شکستگی دندان دیده است که نظر خود را مستند به روایت این گونه بیان می‌کند.
 - ۲) برخی در مقام بیان الفاظ روایت گفته‌اند که واژه (کسرت) به این معنی است که اصل و ریشه دندان باقی است و اطراف دندان شکسته باشد. (عباد بدر، شرح سنن ابی داود، درس ۵۱۳، ص ۲۵)
 - ۳) برخی دیگر گفته‌اند که عبارت این حدیث نبوی دلالت بر این دارد که دندان در مقابل دندان یعنی اگر دندان شکسته شده باشد می‌شود و اگر دندان کنده شده باشد در مقابل دندان را باید کند. (ابن جبرین، ج ۷۸، ص ۷)
- نکته:

در ادبیات فقهی و روایات اهل سنت نیز یک قاعده کلی وجود دارد و آن اینکه «لَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ»؛ یعنی در استخوان قصاص نیست. (ابن رشد الحفید، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۵؛ بابرته، العنایة شرح الهدایة، ج ۱۵، ص ۱۶۷) و برای آن مستندی از روایت ذکر شده است. (نمری قرطبی، ۲۰۰۰م، ج ۸، ص ۱۸۴) البته در ادامه روایت مشهور فوق در برخی کتب تصریح شده است که روایتی را با این عبارت «لَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ إِلَّا فِي السِّنِّ» را عمر و ابن مسعود نقل کرده‌اند (شیخی زاده، ج ۸، ص ۴۳۹)؛ یعنی در این روایت یک استثنائی ذکر شده است و آن هم دندان است یعنی در شکستن استخوان امکان قصاص نیست مگر در دندان. در نوع این استثناء در روایت فوق، گفته شده در بین پزشکان اختلاف نظر است (زیلعی حنفی، ۱۳۱۳، ج ۶، ص ۱۱۱) برخی دندان را استخوان می‌دانند که طبق این عقیده استثناء متصل خواهد بود (مستثنی از جنس مستثنی منه است) و برخی دندان را یک نوع عصب خشک می‌دانند چرا که رشد و نمو دارد و دندان استخوان نیست پس در نتیجه استثناء منقطع خواهد بود. (شیخی زاده، ج ۸، ص ۴۳۹) که مستثنی از جنس مستثنی منه نیست. و برخی گفته‌اند اگر دندان را استخوان ندانیم همانطور که رسول الله صل الله علیه و آله و سلم به آن اشاره نموده که فرموده است: «لَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ» چون حضرت دندان را استثناء نکرده، پس استثناء منقطع خواهد بود «وَأِنْ كَانَ غَيْرَ عَظْمٍ كَمَا أَشَارَ إِلَيْهِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ {لَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ} حَيْثُ لَمْ يُسْتَنَّ السِّنُّ فَلَا اسْتِثْنَاءَ مُنْقَطِعٌ» (بابرته، العنایة شرح الهدایة، ج ۱۵، ص ۱۶۷)

ج - قیاس

یکی از ادله در فقه اهل سنت قیاس می‌باشد و در موضوع شکستگی دندان هم به دلیل قیاس بعضی افراد قائل به حکم قصاص می‌باشند با این استدلال که همانطور که در خود نفس و جان انسان برای حفظش نیاز به حکم قصاص است در مادون نفس هم همانطور می‌باشد و شکستگی دندان جنایت مادون نفس می‌باشد، پس همان فلسفه حکم قصاص نفس در این جا هم می‌آید «و من القیاس: أن ما دون النفس كالنفس فی حاجته لحفظه بالقصاص، فکان مثل» (سهلی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۸۶) و برخی تصریح کرده‌اند که منظور حضرت رسول از «عظم» غیر دندان است. (جزیری، مازح، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۵۱۸)

نتیجه گیری

۱- به گفته بعضی از فقیهان، عظم غیر از سن در روایت «لَا قِصَاصَ فِي عَظْمٍ» است و تعریف متفاوتی از آن ارائه

گردیده است به طوری که بعضی روایات تخصصاً دندان را از استخوان خارج کرده و بعضی دیگر نیز دندان ها (نوعی استخوان) را از دیگر استخوانها تخصیص زده است؛ در نتیجه از لحاظ حکم نیز متفاوت خواهد بود و قصاص در دندان ثابت است.

۲- بر خلاف نظریه فقهی که بیان می دارد در صورت فقدان عضو هم جهت در قصاص دندان، همان عضو در جهت دیگر را می توان قصاص کرد، به عبارت دیگر اگر دندان مماثل در نام و محل وجود نداشت می توان به قصاص دندان مماثل در نام و غیر مماثل در محل اکتفا کرد، قانونگذار ما فقط بخش نخست این دیدگاه را که رعایت تساوی در محل است پذیرفته و بخش دوم آن را که اکتفا به عضو غیر هم جهت در صورت فقدان عضو هم جهت است را نپذیرفته است و صرفاً به مورد اشاره شده در تبصره ماده ۳۹۳ ق.م.ا که دارای نص شرعی است اکتفا نموده است.

۳- در ماده ۴۱۲ قانون مجازات اسلامی که مطابق قواعد عام قصاص تنظیم شده است نیز قانونگذار قائل به قصاص دندان چه در کندن چه در شکستن آن شده است؛ توضیح اینکه با توجه به مطالبی که گفته شد رعایت شرایط عام قصاص در مورد کندن دندان دشوار نیست اما در مورد شکستگی؛ اگر بتوان دندان جانی را با ابزار مناسب به مقدار مساوی با شکستگی دندان مجنی علیه (هم نام و هم جهت با دندان مجنی علیه)، قطع کرد نیز قصاص ثابت است البته این کار دشوار است و شاید عملاً امکان پذیر نباشد. به دیگر سخن ماده ۴۱۲ در صدد بیان این است که از لحاظ فقهی، امکان قصاص در دندان وجود دارد اما اینکه عملاً بشود یا نه نظری نداده است.

۴- با توجه به اخیر ماده ۴۰۱ که می گوید هر جایی که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع باشد نیز حکم، سقوط قصاص است. در نتیجه اگر در موردی، خطر تجاوز وجود نداشت، قصاص جایز خواهد بود، البته این برداشت به روشنی از متن ماده فهمیده نمی شود. از این رو بهتر بود قصاص در شکستگی استخوان نیز مانند سایر موارد به طور مطلق نفی نمی شد و نفی قصاص فقط مختص مواردی می شد که خطر تجاوز وجود داشت تا در این صورت شبهه عدم تناسب در قصاص و عدم قصاص در دندان پیش نمی آمد.

۱. ابن رشد حفيد، قرطبي، أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ناشر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر، الطبعة: الرابعة، ۱۳۹۵هـ.
۲. ابن نجيم مصري، زين الدين بن إبراهيم بن نجيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق.
۳. أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي، المجموع شرح المذهب.
۴. أبو عبد الله محمد بن الحسن الشيباني، الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير، الناشر عالم الكتب، بيروت، ۱۴۰۶.
۵. أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، الاستذكار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، دار الكتب العلمية، ۲۰۰۰م، بيروت.
۶. أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، المجتبى من السنن، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶.
۷. أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي، أحكام القرآن، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۴م.
۸. أحمد بن محمد بن علي الأنصاري، أبو العباس، نجم الدين، المعروف بابن الرفعة، كفاية النبيه في شرح التنبيه، دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، م ۲۰۰۹.
۹. اصفهاني، مجلسي اول، محمد تقى، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ۱۳ جلد، مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور، قم - ايران، دوم، ۱۴۰۶ هـ ق.
۱۰. اصفهاني، مجلسي دوم، محمد باقر بن محمد تقى، حدود و قصاص و ديات (مجلسي)، در يك جلد، مؤسسه نشر آثار اسلامي، تهران - ايران، بي تا.
۱۱. اصفهاني، مجلسي دوم، محمد باقر بن محمد تقى، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، دوم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۲. اصفهاني، مجلسي دوم، محمد باقر بن محمد تقى، ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ۱۶ جلد، كتابخانه آية الله مرعشي نجفی - ره، قم - ايران، اول، ۱۴۰۶ هـ ق.
۱۳. بخارى، صحيح البخارى مع الفتح، كتاب الديات، باب السن بالسن.
۱۴. بغدادى، مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى، المقنعة (للشيخ المفيد)، در يك جلد، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد - رحمة الله عليه، قم - ايران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.
۱۵. تبريزى، جواد بن على، تنقيح مباني الأحكام - كتاب القصاص، دار الصديقه الشهيدة سلام الله عليها، قم، دوم، ۱۴۲۶ هـ ق.
۱۶. جزيرى، عبد الرحمن - غروى، سيد محمد - ياسر مازح، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام،

دار الثقلین، بیروت، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.

۱۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۲۶ هـ.ق.
۱۸. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، الشرح الصغير فی شرح مختصر النافع - حدیقه المؤمنین، ۳ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، قم، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۹. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۰. حنبلی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عبد الهادی، تنقیح التحقیق فی أحادیث التعلیق، دار النشر: أضواء السلف - الرياض، اول، ۱۴۲۸ هـ.
۲۱. خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، موسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم، اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۲۳. رباعی صنعانی، حسن بن أحمد بن یوسف بن محمد بن أحمد، فتح الغفار الجامع لأحكام سنه نبينا المختار، دار عالم الفوائد، اول، ۱۴۲۷ هـ.
۲۴. سبحانی، جعفر، أحكام القصاص فی الشریعة الإسلامیة الغراء، امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۹۱ هـ.ق.
۲۵. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم، چهارم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۶. شوکانی یمنی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله، نیل الأوطار، دار الحدیث، مصر، اول، ۱۴۱۳ هـ.
۲۷. شیرازی، إبراهیم بن علی بن یوسف ال أبو إسحاق، المهذب فی فقه الإمام الشافعی، مکان النشر بیروت.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الكتاب العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۲۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۰. عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن (محشی، ط - قدیم)، در یک جلد، مؤسسه منشورات الفراهانی، تهران - ایران، اول، ۱۳۱۹ هـ.ق.
۳۱. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳۲. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۳۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.

٣٤. عبد الحى اللكنوى، الجامع الصغير.
٣٥. عبد الرحمن محمد، المعروف بشيخى زاده؛ مجمع الأنهر فى شرح ملتقى الأبحر.
٣٦. عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن جبرين، شرح أخصر المختصرات.
٣٧. عبد الله بن معتق السهلى، الاشتراك المتعمد فى الجنائى على النفس بالقتل أو الجرح، الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، العدد ١١٩ - السنة ٣٥ - ١٤٢٣ هـ/٢٠٠٤ م.
٣٨. عبد المحسن بن حمد العباد البدر، العبادات الإسلامية، شرح سنن أبى داود.؟
٣٩. علاء الدين أبو بكر بن مسعود الكاسانى الحنفى، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
٤٠. فخر الدين عثمان بن على الزيلعى الحنفى، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق الناشر دار الكتب الإسلامية، ١٣١٣ هـ القاهرة.
٤١. فياض كابلى، محمد اسحاق، رساله توضيح المسائل (فياض)، در يك جلد، انتشارات عبادمجلسى، قم - ايران، اول، ١٤٢٦ هـ ق.
٤٢. قمى، صدوق، محمد بن على بن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ٤ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ايران، دوم، ١٤١٣ هـ ق.
٤٣. قمى، محمد مؤمن، كلمات سديده فى مسائل جديده، در يك جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ايران، اول، ١٤١٥.
٤٤. كاشانى، ملا حبيب الله شريف، تسهيل المسالك إلى المدارك، در يك جلد، المطبعة العلمية، قم - ايران، اول، ١٤٠٤ هـ ق.
٤٥. كلينى، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافى (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق.
٤٦. گيلانى، فومنى، محمد تقى بهجت، جامع المسائل (بهجت)، ٥ جلد، دفتر معظم له، قم - ايران، دوم، ١٤٢٦ هـ ق، ج ٥.
٤٧. لنكرانى، محمد فاضل موحدى، تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة - القصاص، در يك جلد، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، قم - ايران، اول، ١٤٢١ هـ ق.
٤٨. محمد بن أبى بكر أيوب الزرعى أبو عبد الله، زاد المعاد فى هدى خير العباد، مؤسسة الرسالة - مكتبة المنار الإسلامية - بيروت - الكويت، الطبعة الرابعة عشر، ١٤٠٧ - ١٩٨٦.
٤٩. محمد بن محمد البابرتى، العناية شرح الهداية.
٥٠. محمد بن محمد المختار بن محمد الجكنى الشنقيطى، شرح زاد المستقنع فى اختصار المقنع، ١٤٤١ هـ.
٥١. مرعى بن عبد الله بن مرعى الجيبى الشهرى، أحكام المجاهد بالنفس فى سبيل الله عز وجل فى الفقه الإسلامى، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، دار العلوم والحكم، سوريا، أول، ١٤٢٣.

۵۲. مسعود امامی، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، مصوب ۹۲، قصاص عضو، موسسه دائره المعارف فقه الاسلامی، قم

۱۳۷۲.

۵۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت -

لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.